

آمدن فرهنگ ایران به ژاپن در دوره آسوکا (سده ششم میلادی)

در دومین روز هفته فرهنگی ایران در ژاپن (توکیو، جمعه ۲۳ مه ۲۰۰۳ / ۳ خرداد ۱۳۸۲) چند مقاله علمی ارائه شد که از آنمیان سخن‌گیرای پرفسور ئه‌ایچی ایموتو زیر عنوان «آمدن فرهنگ ایران به ژاپن در دوره تاریخی آسوکا» بود. پرفسور ایموتو که از پژوهندگان بنام تاریخ و فرهنگ و زبانهای ایران باستان است، در این گفتار حاصل یافته‌های خود و محتوای مقاله‌های متعددی را که درباره این مبحث دل‌انگیز نگاشته در ۲۳ عنوان، به ترتیب تاریخی، برشمرده است.

ترجمه خلاصه گفتار استاد ایموتو که دوست دانشمندم آقای کینجی ئه‌اؤرا پژوهنده فرهنگ و تمدن ایران و محقق تاریخ دوره قاجار به فارسی در آورده است و سطرهایی برای توضیح مطالب به آن افزوده‌ام در زیر می‌آید:

۱ - به نوشته کازوئو هانی هارا Kazuo Hanihara و شوایچیرو شیراساکی Shoichiro Shirasaki، از اوائل دوره یایوی Yayoi تا آخر سده هفتم میلادی، «تورای جین» Torajjin، یا بیگانگانی که به جزایر ژاپن آمدند، بیش از یک میلیون نفر بودند.

۲ - در این سال ۱۳ دوره بیتاتسو (سال ۵۸۴ میلادی)، اوماکو، بزرگ‌خاندان منتفد سوگا (Soga no Umako) دخترش را به تاتسوئو از خاندان شیبایا (Shiba no Tatsuto) از صنف کوراتسو کوری [زین ساز] داد، و حکم کرد که مجسمه سنگی میروکو Miroku (یا،

- به سانسکریت، مایتوریا (Maitoreya) را برای نیایش در آستانه خانه بگذارند.
- به تاتسوتو خوراک برای نیاز کردن (شاری Shari) یا ظرف جای استخوان بودائی یا کتاب مقدس داده شد. چون با چکش بر شاری که بر بساط فلزی نهاده بودند کوبید، چکش و کف اتاق هم خورد شد، و چون شاری را به آب انداخت، به اشاره‌اش پایین و بالا شد.
- ۳ - در ماه آوریل سال ۲ دوره یومی Yomei (سال ۵۸۷)، تاسونا Tasuna از صنف Kuratukuri بود و پسر تاتسوتو درخواست که مجسمه بودائی به اندازه یک جو و ۶ شاکو [حدود ۴/۸ متر] و معبد بودائی بسازد.
- ۴ - در اوائل دوره سوشون Sushun [سال ۵۸۸]، اوماکو Umako بزرگ خاندان سوجا Soga معبد بودائی هوکو - جی Hokoji را ساخت، و این بنا در سال ۴ از دوره پادشاهی ملکه سویکو Suiko [سال ۵۹۶] به انجام رسید.
- ۵ - در سال اول دوره سوشون Sushun [سال ۵۸۶]، مملکت کودارا Kudara یا هیاکوسای Hyakusai درودگر معبد و استادکار ساختن برج و سفال ساز و نقاش نزد امپراتور ژاپن فرستاد، و اینان معبد گانگو (از Gango) (یا معبد بودایی آسوکا = Asuka dera) را ساختند.
- ۶ - در سال ۳ همین دوره (سال ۵۸۸) رویداد دیگری (در انتقال فرهنگ بیگانه به ژاپن) بود.
- ۷ - در ماه نوامبر سال ۱۱ دوره سویکو (سال ۶۰۳)، کاواکاتسو Kawakatsu از خاندان هاتا Hata معبد کوریو Koryu (یا Hachioka dera یا Uzumasa) را ساخت.
- ۸ - در ماه آوریل سال ۱۳ این دوره (سال ۶۰۵)، پسر تاسونا Tasuna به کوراتسو کوری - نو - توری Kuratsukuri no Tori حکم داد که تندیس از بودا بسازد.
- ۹ - در روز ۸ ماه آوریل سال ۱۴ دوره سویکو (سال ۶۰۶) خواستند پیکره بودای ساخته شده به اندازه یک جو و ۶ شاکو (یا حدود ۴/۸ متر) را به تالار زرین ببرند، اما از دروازه این تالار تو نرفت. سرانجام به شیوه‌ای که هنوز دانسته نیست آنرا تو بردند. به یاد این رویداد، روز ۸ ماه ۴ و روز ۱۵ ماه ۷ (هر سال) جشنی می‌گرفتند.
- ۱۰ - در ماه ۷ سال ۱۵ (سال ۶۰۷)، ایموکو از خاندان اونو (Ono no Imoko) به چین دوره امپراتوران تانگ Tung فرستاده، و کوراتسورو - نو - فوکوری Kuratsukuro no Fukuri به عنوان مترجم همراه او شد.
- ۱۱ - در ماه سپتامبر سال ۱۷ (سال ۶۰۹)، اونو - نو - ایموکو Ono no Imoko به ژاپن بازگشت، اما فوکوری در چین ماند.
- ۱۲ - آبه - نو - توری Abe no Tori به راهنمایی یا میزبانی مهمانهای آمده از چین معین شد.

۱۳ - در ماه فوریه سال ۲۰ (سال ۶۱۲)، در مراسم تشییع جنازه یک زن ولیعهد کلمه‌های Rui را در تحسین کارهای او در زندگیش و افسوس بر مرگ وی خواندند. اما فقط توری از خاندان آبه (Abe no Tori) نتوانست Rui یا سوگنامه را بخواند.

۱۴ - در همان سال ۲۰ (سال ۶۱۲)، از مملکت Kudara مردی بود که به ژاپن آمد؛ که چون بدنش خال خال داشت مردم این را جذامی تصور کردند و خواستند وی را به دریا بیندازند. این مرد گفت که معمار راه ساز و نامش شیکی مارو Shikimaro است. مردم از او خواستند که در باغ جنوبی کاخ نگاره‌ای از کوه شو میسین Shumisen، که در معبد بودائی مرکز جهان شناخته می‌شد، و پلگان بسازد. در ماه سوم سال ۳۶ (سال ۶۲۸). امپراتور به درود زندگی گفت و جنازه او پیش از تشییع مدتی در این باغ جنوبی موگاری Mogari به امانت گذاشته شد.

۱۵ - در روز اول ماه یکم سال اول دوره کوءگیوکو Kougyoku، ایروکا بزرگ خاندان سوگا Soga no Iruka نام Kuratsukuri را خواند.

۱۶ - در ماه چهارم سال ۴ این دوره (سال ۶۴۵)، کوراتسوکوری - نو - توکوشی Kuratsukuri no Tokushi در مملکت Koukuri (در شمال کره) با بیر مائوس شد و آئین تائو را فراگرفت، و کوه خشک شده را به کوه سبزی بدل کرد و بر زمین خشک آب روان ساخت.

۱۷ - در ماه ششم سال ۴ (سال ۶۴۵)، کوراتسوکوری - نو - ایروکا Kuratsukuri no Iruka که هوای پادشاهی در سرش افتاده بود کشته شد.

۱۸ - در سال ۵ دوره هاکوچی Hakuchi (سال ۶۵۴) در دوره امپراتور کوءتوکو Koutoku، کسان (کشتی شکسته) در دست امواج به هیوگا Hyuga [یا Miyazaki] رسیدند. آنها دو مرد و دو زن از مملکت توکوهارا یا تخارا بودند، و هم یک زن از سرزمین شائه Shae [که در روزگار قدیم در وسط هندوستان و در شمال غرب مملکت کاپیرانه Kapirae]، که بودا مدت ۲۵ سال در آنجا موعظه کرد، واقع بود.

۱۹ - در ماه هشتم سال ۲ دوره سایمی Saimei (سال ۶۵۶)، تاتسو - سا Tatsu - sa فرستاده مملکت کوءکوزی Koukuri (شمال کره) و ایریشی Irishi نایب او [آمدند].

۲۰ - دو مرد و چهار زن از مملکت تخارا* در دست امواج به تسوکوشی Tsukushi [یا Fukuoka] رسیدند. در روز ۱۵ ماه هفتم، در غرب معبد آسوکا (Asuka dera)، نمونه‌ای از کوه شو میسین Shumisen ساخته و جشن اُرابون (Urabon e) [که در آن خوراک گوناگون به روح اجداد نثار و برای آرامش روح آنان دعا می‌کنند] برگزار شد، و از آنها پذیرایی کردند. * اینجا درست شناخته نیست. به قولی همان تخارا است... و به قولی دیگر محلی در سیام یا برمه، و باز به قولی دیگر جزیره چوچه]

۲۱ - در روز ۳ ماه سوم سال ۵ [سال ۶۵۹]، امپراتور به هیرا - نو - اوِرا Hira no Ura در اوومی Oumi [یا Shiga] رفت، و روز ۱۰ این ماه آن مرد و زن تخارایی همراه همسر شائه Shae آنجا رفتند.

۲۲ - در روز ۱۶ ماه هفتم سال ۶ (سال ۶۶۰)، گنزو هاشی داچیا Genzu Hashi Dachia تخارائی * زنش را در ژاپن گذاشت و با چند ده کس دیگر به راه دریای غربی روانه شد.
* به قولی Genzu یا Hashi و Gandhara یا Persia و Dachia نام کسی است، و به قولی دیگر Genzu همان هندوستان و Hashi یا Persia و Dachia پساوند نام هندی است.]

۲۳ - در روز اول ماه یکم سال ۴ پادشاهی تممُو Temmu (سال ۶۷۵)، زن های Shae و Dara با شاه Kudara نزد امپراتور بار یافتند....

هفته فرهنگی ایران در ژاپن

یک سلسله سخنرانیه‌ها و نمایشگاهی در معرفی فرهنگ و ادب و هنر ایران زیر عنوان «هفته فرهنگی ایران در ژاپن» در روزهای ۲۲ تا ۲۸ مه ۲۰۰۳ (۱ تا ۷ خرداد ۱۳۸۲) در توکیو و با ترتیبی خوب و شایسته برگزار شد. این کار با همکاری بنیاد ژاپن که سالن زیبا و مجلل و مجهز به نمایشگاه خود را در مرکز توکیو در اختیار سفارت و دستگاههای فرهنگی ایران نهاده بود انجام پذیرفت. گروهی از مقامهای علمی و فرهنگی، در رأس ایشان آقای دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، در این هفته حضور یافته بودند؛ و نیز استادان هنر ایران، آقایان محمدباقر آقامیری (تذهیب و مینیاتور)، غلامحسین امیرخانی (خوشنویس)، و علی رضایی (ملیله کاری صنایع نقره دستی) سخنرانی و نمایشگاه داشتند.

برنامه علمی این هفته شامل گفتار چند استاد ایران پژوه ژاپنی در ساعت‌های صبح بود، و بعدازظهر، نیز فیلم‌های برگزیده ایرانی نمایش داده می‌شد. نمایشگاه آثار هنری و صنایع دستی ایران در کنار برنامه‌های علمی ازجاذبه‌های این هفته فرهنگی بود، و چایخانه زیبای ایرانی هم در کنار نمایشگاه گنجینه‌های ایرانی و خواستاران بسیار داشت.

فرصتی هم به خانم هیروکو نیشی زاوا، شاهدخت ساسانی، که خوانندگان بخارا در شماره‌های پیشین با زندگی افسانه‌وار او آشنا شده‌اند، داده شده بود تا تاریخ شگفتی‌انگیز خاندان خود را بازگوید.

این دومین هفته فرهنگی ایران در توکیو (نخستین آن شش سال پیش، میان تابستان ۱۹۹۷/۱۳۷۶) بود، و با نظم و آهنگی بهتر و سامان و ترتیبی آرموده‌تر برگزار می‌شد. از ویژگیهای این

Eternal Culture
Persia
 Iran cultural week

悠久なるペルシア
 イラン文化週間

2005年5/22(水)～5/28(水) (25日休演)
 午前10:00～午後8:00迄

国際交流基金フォーラム

東京都港区赤坂2-17-23 赤坂サントピア1階
 協賛 国際交流基金 外務省
 共催 イランイスラム共和国大使館
 特別協賛 国際交流基金 イラン文化 イスラム圏情報局

مجلس حضور والاحضرت شاهزاده میکاسا عموی دانشمند امپراتور ژاپن در روز و مراسم گشایش هفته فرهنگی بود، که این را باید تحول خجسته‌ای در همکاریهای فرهنگی ایران و ژاپن به شمار آورد. نگارنده به یاد دارد که نمایشگاهی از آثار هنر ایران که در حدود سال ۱۳۵۳ در توکیو برگزار شد با سخنرانی این شاهزاده خاورشناس ژاپنی که به فارسی شیرین و روان بیان می‌شد گشوده شد. والاحضرت میکاسا میراث هنر ایران را زمینه شماری از مقاله‌های تحقیقی خود ساخته، و برای پیشرفت در این عرصه علمی و فرهنگی سالها پیش فارسی هم آموخته‌اند.

شرحی دیگر از رشیدالدین در امتیاز خط چینی - ژاپنی

از مزیت‌های خط چینی - ژاپنی، که هر کلمه به جای ترکیب شدن از حروف الفبایی با نشانه‌ای قراردادی نوشته می‌شود، یکی اینست که واژگانی که تلفظ یکسان اما معانی جداگانه دارد متفاوت نوشته می‌شود. در این وضع در متن نوشته پیداست که مقصود کدام واژه و چه مفهوم است.

این روزها که تاریخ چین رشیدالدین فضل‌الله (بخشی از جامع التواریخ) را که با همت و تصحیح انتقادی خانم دکتر وانگ ای دان ایرانشناس چینی به صورت پاکیزه‌ای چاپ شده است (مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۹) دیگر بار ورق می‌زدم، در مقدمه آن دیدم که رشیدالدین به این معنی اشاره و ازین مزیت شیوه نگارشی چینی (که ژاپنی‌ها هم آنرا اقتباس کرده‌اند) یاد کرده، و نوشته است (از همان کتاب، ص ۸۸ و ۸۹): «و نیز خط ایشان (= اهل ختای) را در اصل وضع ضوابطی چند بغایت نیکوست و مفید که بدان سبب تصحیف و غلط در آن مجال ندارد. و پیش ازین جمهور مردم چنان نقل می‌کردند که ختاییان هر لفظی از الفاظ را بر شکلی مخصوص می‌نویسند و این معنی عقلاً را بغایت مستبعد می‌نمود، چه وضع خط جهت آن است که تا بواسطه ترکیب حروفی چند معدود الفاظ بسیار را به آسانی در ضبط توان آورد و به مجرّد آنکه تغییری در ترکیب آن زود لفظی دیگر از آن فهم توان کرد و بکثرت اشکال احتیاج نیفتد، و اهل ختای به لطف طبع و دقت نظر منسوب‌اند، چگونه متصور باشد که چیزی موجز مفید آسان را مطوّل و نامضبوط و دشوار گردانند؟ و همواره بواسطه اصرار ناقلان بر آن معنی تعجب تمام روی نمود، تا درین وقت که تتبع و تحقیق رفت. و آن نکته در موضعی چند مخصوص است و عظیم مدققانه و مفید و از جمله اوضاع خطوط بهتر، چه به رعایت آن دقایق شبّهت و شکوک مؤتلف می‌گردد. و ازین ضوابط یکی آن است که ایشان الفاظ مشترکه را بحسب هر معنی بر شکلی می‌نویسند، مانند لفظ عین که مشترک است میان باصره و ترازو و زر و چشمه آب و آفتاب، و علی‌هذا ایشان چنین الفاظ را به ازاء هر معنی بصورتی مخصوص می‌نویسند، هر چند

تمام شد کتاب دستورالکاتب فی التعین المراتب از تصنیف
 عالم مشهور محمد بن هند و شاه بن سنجر نجوانی پس از
 ششصد و چند سال این دفعه اقل است که بر اساس شش
 نسخه خطی موجود متن علمی انتقاریش بسعی و اهتمام اینجانب
 عبدالکریم علی اوغلی علی زاده در تاریخ ۱۹۷۱ میلادی در شهر بلوکتیه شد.

گذشت ششصد و چند سال از نوشتن دستور
 بسعی عالم آن دور شمس منشی مشهور
 بمن رسید عمل ترتیب کردن متنش
 سپس شروع بچاپ شد دفعه اول از عهدش
 باین عمل همه کار من شده تکمیل
 بیادگار نوشتن خطی بدین تفصیل
 ازین کتاب کنند استفاده در همه جا
 ما را نباشد و باقی همانند این از ما است

آموزنده را دیرتر مُسَرّ شود اما بواسطه آموختن خط الفیاض مشترکه را نیز شناسند و چون
 بنویسند شُبّه‌تی که ما را می افتد که آیا مصنّف ازین معانی کدام مقصود داشته و هر کس بنوعی
 فهم کرده اختلافات ظاهر می شود، در ایشان قطعاً این شُبّهت نباشد و مراد متکلم محقق بود.
 مثالش: بلغت ایشان * لفظی است که آن را *
 اطلاق می کنند و هر کجا مراد معنی اول باشد بدین شکل *
 مراد معنی دوم بُود بدین شکل *
 و * نویسند و آنجا که

مقایسه خوشمزه

در یادداشتهای چاپ شده شادروان محمد قزوینی ادیب دانشمند نکته دان (به کوشش استاد
 ایرج افشار، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳ - چاپ سوم) ذیل مدخل «انشاء فارسی» می خوانیم:
 «برای مقایسه خوشمزه باید در مقابل قطعه از نثر متعارفی امروزه طهران مثلاً نثر ذکاءالملک،
 اینها را داد: حکمی از امیر افغانستان را که در یکی از دفاتر مجلده خود صورتش را نوشته ام، و
 دیگر قطعه از نثر بسیار بسیار مضحک در پشت تاریخ فرشته از طابعین آن، و دیگر قطعاتی

* متن خالی است.

مفصل از «آواز تاجیک» منطبعة - که چند نمره آنرا اخیراً کاظم‌زاده برای من فرستاده است و دیگر شاید ظاهراً [هنوز درست نخوانده‌ام] قطعه از نثر بهار عجم از طابعین آن»
چندی پیش که افزوده مصحح کتاب دستورالکاتب فی تعیین الموات (طبع مسکو، ۱۹۷۶) را در پایان متن چاپ شده (ص. ۲: ۳۶۸) می‌خواندم با خود گفتم دریغا که عمر مرحوم علامه وفا نکرد تا این قطعه منظوم را بخواند و به فهرست «مقایسه خوشمزه» بیفزاید.

دریغ بیشتر از اینست که در ازان و نخجوان که روزگاری در قلمرو زبان فارسی بود و ادیبان نامور از آنجا برخاسته‌اند، و کسی مانند محمدبن هندو شاه دفتری پربرار در آیین ترسل به قلم آورده و نمونه‌های مکاتبت میان قشراهای گوناگون جامعه بر ساخته، چنانکه اثرش سواى فایده ادبی در مطالعه احوال اجتماعی آنروز هم نفیس و گرانها است، امروزه زبان فارسی در آن دیار به پایه‌ای نزول کرده که محققى ایران پژوه که فارسی فقط زبان تحقیق اوست باید به تصحیح یگانه نسخه معتبر بازمانده این کتاب گرانقدر بپردازد. البته ارج و قدر وجود عزیز نسخه‌شناس کوشنده‌ای مانند علی‌زاده عضو فرهنگستان علوم آذربایجان شوروی سابق، که در عرصه کار خود بنام بود و مورد احترام ایرانیان، و به زبان و ادب فارسی خدمت کرده، محفوظ است. اما ما فارسی زبانان باید خود به ویراستن و پیراستن و آماده چاپ و انتشار کردن متون ادبی و تاریخی و علمی مان، که بسیاری از آن هنوز دست نخورده در کنج کتابخانه‌ها مانده است، همت نهیم. خوشبختانه امروز، شماری از ایرانیان دانش آموخته با فن تصحیح انتقادی کتاب‌ها و متون قدیم، آشنا شده‌اند و کارهایی ارزنده در این زمینه ارائه داده‌اند.

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس
که نه هر کاو ورقی خواند معانی دانست

یادی از استاد گیکئو اتیو

استاد گیکئو اتیو پهلوی‌شناس نامور ژاپنی و پژوهنده فرهنگ ایران باستان و آیین زرتشت در پاییز ۱۹۹۶ (آبان ۱۳۷۵) درگذشت، و با رفتن او دنیای ایرانشناسی گوهری تابناک را از کف داده که از دست شدنش جبران ناشدنی است. شادروان اتیو مردی وارسته، گوشه‌گیر و علم‌دوست و مورد احترام جامعه دانشگاهی ژاپن بود، و با تحقیق پی‌گیر و عمیق یک رشته مقاله‌های پربرار درباره زرتشت به یادگار نهاد و پرتو تازه‌ای بر چهره این پیامبر ایرانی که کار و کردار و آثارش در غبار تاریخ پوشیده است افکند



● استاد فقید گیکیو اینو

زنده‌یاد اتیو در یکی از مقاله‌های خود که «دربارۀ نام زرتشت» عنوان دارد و در شماره یکم دوره ۲۹ مجله اورینتو (سال ۱۹۸۶، ص ۱۷ تا ۳۱) به ژاپنی درج شده، به نامهایی که زرتشت بدانها خوانده می‌شده پرداخته و نوشته است:

در متون کهن زرتشتی، نخستین گروندگان این آیین پیامبرشان را چنین می‌ستایند:

«حضرت راهبری است که قدسیان او را به پیشوایی ما ناداران گمارده‌اند.»

«به اعتبار زرتشت پیامبر، پیروان او — که آشوان خوانده می‌شدند — به دو گروه «دارا، رحمت و برکت یافته» و «نادار» بخش می‌شدند. گروه نخستین‌اند که سزاوار دریافتن مملکت بهشتی در زندگی این جهانند؛ اما گروه دوم هنوز شایسته آن نیستند. از نظر زرتشت، آنانکه سزاوار راهبری شدن و بار آوردند، همانا «ناداران» هستند، زیرا که «رحمت یافتگان» خود آماده رستگار شدنند. «با نام فروتنانه زرتشت که این پیامبر به خود داد، که همانا به معنی «تیماردار شتران پیر فرتوت» است، او خود را در زمرۀ ناداران شمرد، و از کسانی که باید در رستگار ساختنشان کوشید. از اینجا می‌توان دریافت که چرا نخستین پیروان زرتشت ازینکه او را به این نام بخوانند پرهیز داشتند، و او را به نام کوچک سپیتاما که پدرش در هنگام زاده شدن بر وی نهاده بود می‌نامیدند.»

استاد گرامی جناب آقای دکتر هاشم رجب زاده .

با عرض سلام و ارادت . امیدوارم که حال شما خوب باشد . فکر می کنم که کلاس دانشگاه

م اکنون تشکیل شده و این روزها بسیار پر مشغله می باشید

وقتی که تازه به ایران آمده بودم مشکلات زیادی داشتم و آب خوش از گلویم پایین

نمی رفت . اما حالا به زندگی در ایران و کلاسهای مدرسه عادت کرده ام و از آنها لذت می برم

راستی ، من تعطیلات نوروز را با دانشجویان خارجی که در ایران تحصیل می کنند در گیلان

به سر بردم . استان گیلان جای خوش آب و هوایی است و مناظر سرسبزی و زیبایی دارد .

من احساس کردم که هوای گیلان بسیار شبیه هوای ژاپن است . در آنجا هوا بسیار

متغیر است و در طول روز هوا گاه آفتابی و گاه بارانی می شود . در گیلان در خوابگاه

دانشگاه گیلان اقامت داشتم در آنجا در خوابگاه های مختلف برگزار می شد و من هم در

مسابقه فوتبال شرکت کردم و تیم ما مقام دوم را به دست آورد . در ضمن ، این اردوی دانشجویی

نامه یک دانشجوی پسر رشته ایران شناسی ، از تهران

۴ مرداد ۱۳۷۷

۲۵ مه ۱۹۹۸

استاد گرامی جناب آقای دکتر هاشم رجب زاده .

با عرض سلام و ارادت . امیدوارم که حال شما خوب باشد . فکر می کنم که کلاس دانشگاه هم

اکنون تشکیل شده و این روزها بسیار پر مشغله می باشید .

وقتی که تازه به ایران آمده بودم مشکلات زیادی داشتم و آب خوش از گلویم پایین
نمی رفت . اما حالا به زندگی در ایران و کلاسهای مدرسه عادت کرده ام و از آنها لذت می برم .

راستی ، من تعطیلات نوروز را با دانشجویان خارجی که در ایران تحصیل می کنند در گیلان به سر
بردم . استان گیلان جای خوش آب و هوایی است و مناظر سرسبزی و زیبایی دارد . من احساس

کردم که هوای گیلان بسیار شبیه هوای ژاپن است . در آنجا هم هوا بسیار متغیر است و در طول
روز هوا گاه آفتابی و گاه بارانی می شود . در گیلان در خوابگاه دانشگاه گیلان اقامت داشتم . در آنجا

مراسم و مسابقه‌های مختلف برگزار می‌شد و من هم در مسابقه فوتبال شرکت کردم و تیم ما مقام دوم را به دست آورد. در ضمن این اردوی دانشجویی فرصت خوبی بود که با دانشجویان خارجی دیگر کشورها آشنا شوم و خیلی خوش گذشت. دو هفته قبل در ایران مراسم عزاداری امام حسین برگزار شد. در تهران از اول ماه محرم تا پایان روز عاشورا دسته‌های عزاداری در خیابان‌ها به راه می‌افتند و به سینه زنی و زنجیرزنی می‌پرداختند. در ژاپن ما مراسم خیابانی زیادی داریم اما من تا به حال چنین مراسمی را ندیده بودم و برای من بسیار عجیب بود. البته من هم یک زنجیر خریدم و در اتاقم زنجیر زدم تا بفهمم که زنجیر زدن چه احساسی دارد. فکر می‌کنم که می‌توانم تا حدی احساس ایرانی‌ها را درک کنم. البته زنجیر من کوچک بود و چندان درد نداشت. پس از عاشورا هیچ مراسم جالب توجه دیگری پیش نیامده است و من درست نمی‌دانم آیا در ایران بجز عاشورا مراسم مشابه دیگری وجود دارد یا نه. اگر چیز جالبی وجود داشت باز هم در مورد آن برای شما می‌نویسم. برای شما آرزوی سلامتی و تندرستی دارم.

با احترام،

ماساچیکا ایکدا

جشن‌های تابستان

تابستان در ژاپن فصل آتش بازی و جشنواره‌ها است. هر شهر، بسا هر محله جشنواره خاص خود را دارد که قدمت آن به چند صد سال و گاه بیشتر می‌رسد. شماری از این جشنواره‌ها در فهرست میراث فرهنگی ژاپن ثبت شده است. ازین میان است جشن گیون در کیوتو که در نیمه اول ماه هشتم (نیمه تابستان) برگزار می‌شود و از جاذبه‌های آن «نخل گردانی» است. «نخل» را (نظیر همان که در میدان امیر چخماق یزد با قامت استوار ایستاده است) در ژاپن میکوشی می‌گویند، که بر دوش مردم برده می‌شود و حاملان با حرکت دادن آن دم می‌گیرند و فضایی پُرشور و سرور می‌سازند. نخل‌هایی هم، مانند میکوشی‌های جشنواره گیون، سنگین‌تر است و به بلندی ساختمانی چند طبقه، که بر ازابه‌های سنگین با چرخ‌های چوبین سوار شده است، و راندن آن (که با ریسمان به دست شمار بسیاری از جوانها کشیده می‌شود) مهارت می‌خواهد، بخصوص سرپیچ‌ها که اگر مهار در دست‌های آزموده نباشد باسانی برمی‌گردد و جشن به ماتم بدل می‌شود.

«میکوشی» جشن گیون در کیوتو برای زینت معروف و گیرای آن که قالی‌های قدیم ایرانی است که پرده‌وار به گرداگردش آویخته‌اند، از نظر روابط فرهنگی ایران و ژاپن اهمیت خاص دارد. در هر جشن، مردم شهر به دو دسته می‌شوند؛ گروهی اجراکننده و گرداننده و دیگران

بینند. اجرا کنندگان که نیم تنه پنبه‌ای با نشانه جشن بر تن دارند، یا کیمونوی راحت تابستانی، با رقص آئین مسیر معین شده را می‌پیمایند. این جشن، آداب و آیین خاص خود را دارد و مراتب و مقامات آن معین و مشخص‌اند و در بسیاری جاها گردانندگی هر بخش آن نسل به نسل در خانواده معین می‌گردد، یا که پسر بچه‌ای که سمت آئینی خاص در جشن پیدا می‌کند با آزمونی سخت انتخاب می‌شود و در سراسر عمر به این بخت بلند خود می‌مالد.

عکس زیر صحنه‌ای است از «سوزومه اودوری» (رقص گنجشک) در جشنواره محله آئوبا در شهر سنداى مرکز ناحیه توهوکو در شمال ژاپن

انجمن تازه دوستی ایران و ژاپن

شرکت نفتی ایده میتسو که در پی ابتکار و تهور شایان تحسین در وارد کردن نفت ایران پس از ملی شدن آن در سال ۱۹۵۳ به بنیاد کردن انجمن ژاپن و ایران یاری داد و خود در همه این سالها متولّی عمده هزینه آن بود، بر اثر کساد دیر پای اقتصادی و با برنامه کاستن از هزینه‌ها در سال گذشته کار را به ظاهر به شرکت تومین انرژی سپرد، و از دست گذاشت؛ و فعالیت‌های ایران پژوهان و دلبستگان این انجمن برای جلو گرفتن از این تصمیم سود نکرد. از کارهای خوب آن درین چند ساله انتشار ماهنامه‌ای به نام «چشم» بود که اخبار ایران و نیز مقاله‌هایی از ایرانشناسان در معرفی فرهنگ و ادب و هنر ایران در آن درج می‌شد. گه‌گاه کلاسهای آزاد آموزش فارسی هم برای دوستان ژاپنی ترتیب می‌داد.

۱۳۶

بتازگی عده‌ای از ایراندوستان، پیشاپیش همه خانم امیکو اوکادا استاد زبان فارسی و آقای ماسایوکی اینووه فرزند شادروان ثیاجی اینووه و درس خوانده مدرسه جهان تربیت تهران که اکنون مقام بالای دیوانسالاری (مدیر کل روابط بین‌المللی وزارت آموزش و فرهنگ ژاپن) دارد همت نهاده و انجمن دوستی تازه‌ای بنیاد کرده‌اند که امید است که بپاید و بیابد.

نویسنده داستان اوشین

داستان دل‌انگیز اوشین را که در سراسر دنیای متمدن دل از بینندگان تلویزیونها ربوده، خانم هاساکو هاشیدا نوشته است. خانم هاشیدا که اکنون ۸۰ سال دارد. بتازگی داستان تازه‌ای برای نمایش تلویزیونی پیرامون زندگی ژاپنی‌های مهاجر به برزیل پرداخته که قرار است به مناسبت یکصدمین سال سرگرفتن مهاجرت ژاپنی‌ها به برزیل در پاییز سال ۲۰۰۵ آماده نمایش بشود.

باز هم گل بس! دختر بس!

درباره نامهایی ازینگونه برای دختران در ایران، از کتاب خیرآباد نامه نوشته زنده‌یاد پرفسور

موریو اونو بخش کوتاهی در چشمه خورشید ۳ (بخارا، ش ۱۱ - فروردین اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۱۵۰ و ۱۵۱) آورده بودم. چندی پیش دولت فرهیخته ایراندوستم آقای یوشی فوسا سه کی می گفت که در ژاپن هم نامی مانند دختر بس یا فرزند بس (برای پدر و مادرهایی که از زیادی بچه خسته شده‌اند) هست، و نیز دیگر نامهای مشابه آنچه در ایران معمول بوده است، چنانکه نام خورشید و ماه برای دخترها (یوکو و تسوکی / تسوکی می). نیز برای دختران نام خرس، ببر و حیوانات دیگر هم می گذارند، به آرزوی اینکه دختر قوی بشود یا چشم نخورد.

شعری سروده در ژاپن

دفتر گزینۀ اشعار دلنشین زنده یاد نصرت رحمانی (نشر مروارید، ۱۳۷۴، چاپ دوم) مردی را که چند سال پیش سرانجام در غباری ابدی گم شد، ورق می زدیم که به این شعر رسیدیم و آنرا برای پایان این پاره نوشته‌ها مناسب یافتیم.

اشعار من

در اختیار کارگزینی است

چون زودتر زلحظه موعود

آن‌ها را

سروده‌ام

من را

باور کنید

اشعارم را

در بیروت با مسلسل

در کعبه با سجود

و در ژاپن با «توانزیستور»

سروده‌ام



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی